



بند سوم درس را با دقت بخوانید و کلمه‌هایی که صدای «ز» دارند، پیدا کنید و بنویسید.
روزها، مظلومی، متجاوزان، آزادی، آرزوی، آماده سازی، ضربه‌ی،

از، تسفیر ناپزیر، رزمندگان، فضایی

۱ اکنون، کلمه‌های نوشته شده را با توجه به شکل‌های مختلف صدای «ز» دسته‌بندی کنید.

ز : روزها، متجاوزان، آزادی، آرزوی، آماده سازی، رزمندگان، از

ز : تسفیر ناپزیر

ض : فضایی، ضربه‌ی

ظ : مظلومی

۲ با توجه به متن درس، کلمه‌های پنهان شده در جدول را پیدا کنید و بنویسید.

د	ف	خ	ص	ی	مظلوم مرفعی عملیات مقابله شب وصف فتح	
ت	س	ص	ف	ن		
ج	ر	ج	ک	ط		ا
ع	ا	ج	ا	ش		ب
م	ن	ذ	ی	ل		ذ
ل	ا	ف	ت	ج		ی
ی	ب	د	ص	خ		ر
ا	ل	ز	ر	ی		ک
ت	ا	ع	ف	ث		پ
م	ظ	ل	م	م	ض	



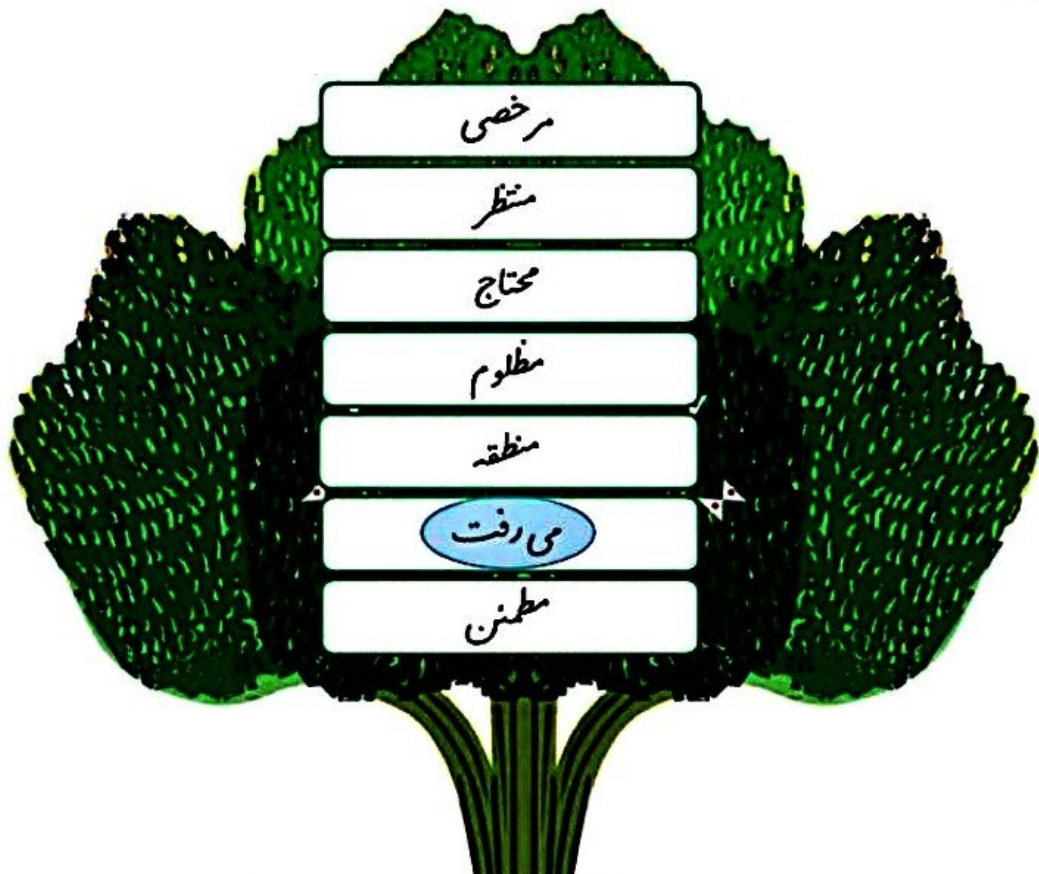
از روی سرمشق زیر، خوش خط و زیبا بنویسید.

گاه اوج خنده‌ی ما گریه است گاه اوج گریه‌ی ما خنده است

گاه اوج خنده‌ی ما گریه است گاه اوج گریه‌ی ما خنده است

گریه دل را آبیاری می‌کند زیرا باین خنده یعنی این که دل‌ها زنده است
 گریه دل را آبیاری می‌کند خنده یعنی قسمت را کامل کن.

در جدول زیر، یک کلمه با کلمه‌های دیگر فرق دارد. آیا می‌توانید آن را پیدا کنید؟



🌱 متن زیر را بخوانید و به سؤال‌های آن پاسخ دهید.

«ساعت ده شب بود، توی کوچه فوتبال بازی می‌کردیم. اسم آقا ابراهیم را از بچه‌های محل شنیده بودم اما بر خوردی با او نداشتم. مشغول بازی بودیم. دیدم از سر کوچه شخصی با عصای زیر بغل به سمت ما می‌آید. از محاسن بلند و پای مجروحش فهمیدم، خودش است. کنار کوچه ایستاد و بازی ما را تماشا کرد. یکی از بچه‌ها پرسید: «آقا ابراهیم بازی می‌کنی؟» گفت: «من که با این پا نمی‌توانم اما آگه بخواهید توی دروازه می‌ایستم.» بازی من خیلی خوب بود اما هر کاری کردم نتوانستم به او گل بزنم. مثل حرفه‌ای‌ها بازی می‌کرد. نیم‌ساعت بعد وقتی توپ زیر پایش بود، گفت: «بچه‌ها فکر نمی‌کنید الان دیروقته؟ مردم می‌خوان بخوابن.» توپ و دروازه را جمع کردیم. بعد نشستیم دور آقا ابراهیم. بچه‌ها گفتند: «آگه میشه از خاطرات جبهه تعریف کنید.»

(کتاب «سلام بر ابراهیم»، خاطرات شهید ابراهیم هادی)

شهید ابراهیم هادی در سال ۱۳۳۶ در تهران به دنیا آمد. او چهارمین فرزند خانواده بود. ابراهیم به پدر و مادرش بسیار احترام می‌گذاشت. او نوجوانی بیش نبود که پدرش را از دست داد و طعم تلخ یتیمی را چشید. از آنجا بود که همچون مردان بزرگ، زندگی‌اش را به پیش برد و به شخصیتی ماندگار تبدیل شد. او از کودکی اهل ورزش و تلاش بود و این کار را با ورزش پهلوانی یعنی ورزش باستانی شروع کرد. در والیبال و کشتی بی‌نظیر بود. هرگز در هیچ میدانی پا پس نکشید و مردانه می‌ایستاد. دوستانش هنوز دلاوری‌های او در جبهه را به یاد دارند. او همیشه از خدا می‌خواست گمنام باقی بماند. سرانجام در ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۱ در منطقه‌ی فکه، خدا دعایش را مستجاب کرد. ابراهیم سال‌هاست گمنام و غریب در فکه مانده تا خورشیدی باشد برای راهیان نور.

🌱 چرا نویسنده در سطر دوم بند اول، کلمه‌ی «اما» را به کار برده است؟

چون دو جمله مقابل هم قرار دارند. یعنی او را می‌شناسد در صورتیکه او را ندیده است.

🌱 آقا ابراهیم بعد از نیم‌ساعت بازی کردن، به بچه‌ها چه گفت؟

گفت دیر وقته و مردم می‌خواهند بخوابند.

🌱 ابراهیم در چه ورزش‌هایی مهارت داشت؟

والیبال و کشتی

🌱 آیا خداوند دعای ابراهیم را برآورده کرد؟ چگونه؟



بله، او سال‌هاست که گمنام در فکه مانده است و پیکر او پیدا نشده است.



متنی بنویسید که سه بند داشته باشد. موضوع کلی متن « نان » است. برای این موضوع کلی، سه موضوع کوچک‌تر بنویسید تا موضوع هر یک از سه بند متن باشند.

موضوع هر بند را بنویسید.

مراحل تهیه نان

بند اول:

انواع نان

بند دوم:

قیمت نان

بند سوم:

نان

برای تهیه نان گندمی را که کشاورزان در زمین کاشته اند، درو می کنند و به آسیاب می برند و تبدیل به آرد می کنند. و نانوا با آرد نان می پزد.

نان انواع مختلفی دارد که شامل نان بربری، نان لواش، نان سنگک، نان ساندویچ و ... است و بستگی به نوع غذا مردم از آن ها استفاده می کنند.

بستگی به نوع نان قیمت آن ها هم متفاوت است.

مثلا نان سنگک چون آرد بیشتری نیاز دارد پس قیمت آن بیشتر است.

